

## بررسی و اولویت‌بندی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از منظر جوانان\*

مریم اسکافی<sup>۱</sup>

فاطمه سلطانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و اولویت‌بندی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از منظر جوانان است. به این منظور بر اساس نظریه اجتماعی پارسونز به بررسی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در چهار بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از منظر پاسخگویان پرداخته شد. روش تحقیق، روش پیمایش است و در پرسشنامه محقق ساخته، مقیاس برش قطبین بکارگرفته شده است. در این روش از پاسخگو خواسته شده تا طی محرک «فارغ‌التحصیل دانشگاه» به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی نمره بدهد. این پرسشنامه توسط ۴۷۱ جوان شهر گناباد تکمیل شد. نتایج نشان می‌دهند که کارکردهای تحصیلات دانشگاهی توسط پاسخگویان «در حد متوسط» ارزیابی شده است. کارکرد اجتماعی (کسب منزلت و موقعیت‌های بهتر اجتماعی)، فرهنگی (کسب دانش و ذهن باز و خلاق)، سیاسی (قدرت فردی و سازمانی) و اقتصادی (فرصت شغلی مناسب، درآمد کافی و کارایی در جامعه) به ترتیب در اولویت کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از دید تمامی جوانان قرار دارند. جنسیت، سن، مقطع تحصیلی (دانش‌آموز، دانشجو و فارغ‌التحصیل)، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، علاقه برای ورود به دانشگاه بر میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از منظر جوانان موثر است و عوامل فوق در رگرسیون رتبه‌ای مجموعاً حدود ۱۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. واژگان کلیدی: دانشگاه، کارکردهای تحصیلات دانشگاهی، جوانان، مدل AGIL پارسونز.

\* این تحقیق با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد انجام شده است.

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد گناباد meskafi@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا irfatima\_s@yahoo.com

## ۱. مقدمه

امروزه ورود روز افزون جوانان به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در ایران به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده که توجه خانواده‌ها، اولیای مدارس، مسئولان و برنامه‌ریزان اجتماعی و دانشگاهیان را به خود جلب کرده است. میل فزاینده برای آموزش عالی به رفتاری جمعی مبدل شده است تا جایی که اهالی علم از این پدیده به عنوان یک «تقاضای اجتماعی» یاد می‌کنند. همچنین در سالیان اخیر ورود بی‌سابقه زنان و دختران به دانشگاه‌ها و کاهش گرایش پسران به ورود به دانشگاه‌ها جنجال‌ها و بحث‌های فراوانی را در میان متخصصان در پی داشته است. دانشمندان و صاحب نظران بسیاری هر یک با توجه به تخصص و رویکرد فکری خود به آن نگرسته و سعی در تبیین آن داشته‌اند. دیدگاه مسلط در این مورد دیدگاه اقتصادی است، از این منظر تنها کارکردهای مادی و اقتصادی دانشگاه مؤثر تلقی می‌شوند و کارایی اصلی دانشگاه آماده کردن نیروی انسانی برای ورود به دنیای کسب و کار، جایگاه شغلی مناسب و درآمد بیشتر عنوان می‌شود (کاظمی‌پور، ۱۳۸۵؛ کار، ۱۳۷۶؛ عمادزاده، ۱۳۷۶). دیدگاه‌های سیاسی و فمینیستی نیز با بحث تلاش زنان برای افزایش قدرت در جامعه و خانواده از طریق شکل‌گیری نقش مستقیم زنان در اقتصاد، تحصیلات دانشگاهی را به عنوان یک عامل برابری و افزایش قدرت در زنان می‌دانند (مطیع، ۱۳۸۲؛ دهنوی و معیدفر، ۱۳۸۴). دیدگاه‌های فرهنگی هم سعی در بررسی این مسئله از بعد اجتماعی دارند و در عین قبول کارکردهای مادی، سعی در بررسی این پدیده از بعد اجتماعی و فرهنگی دارند (قانع‌راد و خاور، ۱۳۸۵). مهمترین دلیل توجه بیشتر به رویکردهای فرهنگی در این زمینه آن است که نرخ بیکاران تحصیل کرده در جامعه کنونی ما رو به افزایش است. از این منظر کارکردهای مادی و اقتصادی نقش کمتری در تبیین گرایش جوانان به دانشگاه دارند.

بنابراین برحسب هر کدام از این مدلها، این معنا حاصل می‌شود که هر کدام از این رویکردها سعی دارند با تأکید بر وجه خاصی از کارکردهای تحصیلات دانشگاهی مدل پیشنهادی خود را برای تحلیل موضوع ارائه دهند و این تأکید نیز با کم‌توجهی یا نادیده گرفتن وجه دیگر این پدیده همراه است. بدیهی است که چنانچه در یک مفهوم سازی جامع همه وجوه کارکردهای تحصیلات عالیه گنجانده شود، این پدیده وضوح بیشتری پیدا می‌کند و فهم عمیق‌تری از این مفهوم حاصل می‌شود. بنابراین مسئله فوق می‌طلبد تا واکاوی دقیق‌تری در خصوص کارکردهای تحصیلات دانشگاهی صورت گیرد و نظریات و رویکردهای جدیدی در تبیین آن به کار گرفته شود. برای این منظور می‌توان از نظام‌های اجتماعی پارسونز الهام گرفت. بدین ترتیب، تحقیق حاضر ماهیتاً از نوع توصیفی است و تلاش می‌کند تا کارکردهای تحصیلات دانشگاهی را از منظر دانش آموزان، دانشجویان و فارغ التحصیلان را مورد بررسی قرار داده و تفاوت‌های آنان در خصوص کارکردهای که از دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی در ذهن خود دارند را دریابد؛ تا از این طریق بخشی از انگیزه‌ها و دلایل آنان از ورود به دانشگاه را درک نماییم.

در خصوص این موضوع که کارکردهای تحصیلات دانشگاهی برای افراد چیست؟ تحقیقات بسیاری در کشورهای مختلف جهان انجام شده است که در اینجا به اختصار به برخی از آنها می‌پردازیم. در همایشی جهانی که یونسکو در مهر ماه سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸) برگزار کرد، اذعان گردید که مهمترین نقش آموزش عالی در سده‌ای کنونی توسعه اقتصادی، به ویژه از راه تربیت متخصصان، و توسعه فرهنگی و انسجام اجتماعی به ویژه گسترش آموزش شهروندی است (مرکز مطالعات سازمان سنچس کشور، ۱۳۸۴). آدامز<sup>۱</sup> (1997) و دلانی<sup>۲</sup> (1999) در پژوهشهای خود تأیید می‌کنند که علاوه بر انگیزه‌های شغلی، یکی از انگیزه‌های مهم ورود به دانشگاه جنبه‌های مهم محیطی از جمله تعامل با محیط تحصیلی است. در پژوهشی

1. Adams, J. E

2. Delaney, A. m

که دیویس، نولند و دیتون<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در ایالت تنسی آمریکا انجام دادند، دریافتند که تصمیم برای ورود به دانشگاه در بین دانش‌آموزان بیشتر اقتصادی است و اهداف شغلی بیشترین انگیزه داوطلبین را تشکیل می‌دهد. از یافته‌های دیگر این مطالعه آن است که زنان نسبت به همسالان مرد خود تمایل بیشتری برای ورود به دانشگاه دارند.

گزارش وزارت علوم ژاپن (۱۹۹۹) حاکی از این است که بیشترین انگیزه ورود به دانشگاه در کشور ژاپن آموزش و تحقیق در رشته مورد علاقه و تخصص یابی در حرفه مورد نظر است.

در مجموع، بررسی تحقیقات انجام شده در خارج از کشور نشان می‌دهد که در اکثر این تحقیقات مطابق با روند توسعه و نیاز این جوامع به کاربرد گسترده و وسیع علم در اقتصاد مدرن، کارکرد تحصیلات دانشگاهی در درجه اول تأمین نیروی انسانی کارآمد و ماهر و بدست آوردن موقعیت‌های بهتر شغلی برای افراد است.

در داخل کشور نیز با افزایش تقاضای عمومی در خصوص ورود به دانشگاه به خصوص افزایش تقاضای دختران در این زمینه، تحقیقات زیادی در این حوزه صورت گرفته است.

در تحقیقی که کلدی و فلاح (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها از نظر دانشجویان» انجام داده‌اند کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه و میزان تحقق‌پذیری آنها از دیدگاه دانشجویان با در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده‌هایشان مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله کارکردهای فرهنگی مورد تحقیق کمک به رشد و توسعه فرهنگی، آگاهی تاریخی، سرمایه فرهنگی و تعالی معنوی و کارکردهای اجتماعی شامل مشارکت اجتماعی، جامعه‌پذیری و افزایش اعتماد به نفس است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که در مجموع ارزیابی دانشجویان از عملکرد دانشگاه در خصوص تحقق‌پذیری کارکردهای اجتماعی و فرهنگی چندان مثبت نیست و اکثریت دانشجویان قائل بر ناموفق عمل کردن دانشگاه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی هستند.

متخصصین سازمان سنجش کشور (۱۳۸۴) طی تحقیق به این نتیجه دست یافتند که دانشجویان ۵ انگیزه برای ورود به دانشگاه دارند که عبارت‌اند از: انگیزه‌های اجتماعی شامل محیط اجتماعی دانشگاه، و منزلت اجتماعی و سه انگیزه شامل انگیزه شغلی، علاقه تحصیلی و علمی و راه حل موقت (سرگرمی و مشغولیت فعلی). در تحقیق دیگری که به بررسی نقش و تأثیر اشتغال در گرایش زنان به آموزش عالی توسط لیاقت دار و همکاران (۱۳۸۶ و ۱۳۸۸) صورت گرفته است این نتیجه حاصل شد که علاقه‌مندی زنان به احراز شغل، کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی، مشارکت سیاسی همچنین نگرش فرهنگی جامعه (باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه)، نهاد خانواده و توسعه ارتباطات در گرایش آنها به آموزش عالی موثر بوده است. حیدری، صالحی و منتظری (۱۳۸۸) دو عامل کسب درآمد و منافع اقتصادی در آینده و دستیابی به شغل و حرفه مناسب را موثرترین عوامل افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی عنوان کرده‌اند. قانعی راد و خاور (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحلیلی به عوامل فرهنگی افزایش ورود دختران به دانشگاه‌ها پرداخته‌اند و با انتقاد از گفتمان‌های اقتصادی (که توسعه سرمایه انسانی را عامل توسعه اقتصادی می‌دانند) و گفتمان‌های سیاسی (که به موضوع رفع تبعیض جنسی می‌پردازند) برای تبیین افزایش ورود زنان به دانشگاه، به بررسی عوامل فرهنگی در این خصوص می‌پردازد. بر اساس نظر این محقق تمایل دختران به ادامه تحصیل دارای معانی فرهنگی و اجتماعی بوده و از تعلق آنان به خانواده پیشین و تمایلشان برای مشارکت نمادین در ساختن خانواده آینده تأثیر می‌پذیرد.

مروری بر تحقیقات داخلی نشان می‌دهد که در مورد گسترش آموزش عالی در ایران رویکردهای گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است. علت وجود نظریات گوناگون برای بررسی آموزش عالی در کشور ما این است که در مجموع دانشگاه به

1. Davis, H., Noland, B., Deaton, R.

عنوان یک پدیده غربی که برای نوسازی و توسعه به دیگر جوامع منتقل شده است، مانند اکثر این پدیده‌ها «نهادی» و «درونی» نشده است و هنوز جایگاه خود را به عنوان یک نهاد «پژوهش بنیان» و «تولیدکننده و منتقل‌کننده دانش» پیدا نکرده است؛ به همین دلیل رویکردهای گوناگونی برای بررسی «کارکردهای دانشگاه» در کشور ما بکار می‌رود. در هر کدام از این مطالعات انجام شده در ایران بر کارکرد خاصی از دانشگاه به خصوص فراهم آوردن زمینه‌ی شغلی بدون توجه به مبنای تئوریک تأکید شده است. در اکثر این رویکردها دیدگاهی تک بعدی از کارایی تحصیلات دانشگاهی به عمل آمده و این موضوع به یک حوزه خاص فروکاسته شده است. در صورتیکه برای شناخت جامع کارکردهای تحصیلات دانشگاهی باید تمامی نظریاتی که در این حوزه از قدرت توضیح‌دهندگی برخوردارند، بکارگرفته شوند.

تحقیق حاضر را می‌توان در حوزه جامعه‌شناسی آموزش عالی قلمداد کرد. جامعه‌شناسی آموزش عالی شاخه‌ی جدیدی است که از درون جامعه‌شناسی آموزش و پرورش سر برآورده است و به نوعی حوزه مستقلی را در سال‌های اخیر شکل داده است. این حوزه عهده دار تبیین و توضیح نقش، کارکرد و تأثیرات اجتماعی نظام آموزش عالی است (صالحی، ۱۰: ۱۳۸۸). دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی را می‌توان در خصوص گسترش آموزش عالی بکاربرد، این نظریات شامل نظریه سرمایه انسانی، نظریه هزینه فایده، نظریه تضاد، نظریه فمینیست‌ها، نظریه مصرف فرهنگی آموزش عالی، نظریه کنش و نظریه علاقه‌ی علمی هستند.

نظریه سرمایه انسانی به طور مفهومی دارای دو بعد فردی و عمومی (اجتماعی) یا دو سطح خرد و کلان است. در بعد اجتماعی فرض می‌شود که میزان ثبت نام در دانشگاه‌ها به طور سریع همزمان با رشد اقتصادی و پیشرفت تکنیکی و نیاز جامعه به نیروی انسانی خیره توسعه پیدا می‌کند (تمبون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). بنابراین کارکرد دانشگاه در این نظریه در بعد عمومی تبدیل افراد به نیروی متخصص، ماهر و کارآمد برای گسیل به بازار کار و اقتصاد جامعه است.

اما در تعبیر فردی از نظریه سرمایه‌ی انسانی فرض شده است که انسانها با هدف نفع طلبی برای آموزش عالی تلاش و به سرمایه‌گذاری در آن اقدام می‌کنند، زیرا در ادبیات این نظریه این ادعا که دسترسی به شغل و درآمدهای فردی با افزایش سالهای تحصیلی افزایش پیدا می‌کند، وجود دارد (همان). به این ترتیب در دیدگاه فردی نظریه سرمایه انسانی هم به طور تلویحی عنوان شده است که کارایی اصلی مراکز آموزش عالی، بدست آوردن فرصت‌های شغلی مناسب و کسب درآمد بیشتر برای افراد است.

اصول تحلیلی نظریه هزینه- فایده به عنوان یک نظریه فردگرایانه روش شناختی، بیان می‌کند که انسان‌ها رفتار عقلانی دارند و برای اتخاذ یک تصمیم، فواید و هزینه‌های آن را مقایسه می‌کنند. به طور منطقی، تصمیماتی که دارای منفعت بیشتری باشند، اولویت بیشتری در تخصیص منابع خواهند داشت. به همین ترتیب تصمیمی که فواید کمتری از هزینه‌های احتمالی داشته باشد، کنار زده خواهد شد. این تحلیل در مورد تصمیم فرد برای آموزش رسمی نیز صادق است؛ یعنی یک فرد منفعت تحصیلات رسمی را در مقایسه با گزینه‌های دیگر (مانند ورود به بازار کار) ارزیابی کرده و تخصیص منابع به گزینه تحصیلات رسمی را تا جایی ادامه می‌دهد که منفعت این تصمیم بیشتر از تصمیمات دیگر باشد (نادری، ۱۳۸۷). نتیجتاً نظریه هزینه- فایده کارکرد اصلی دانشگاه را برای یک فرد، دستیابی به بیشترین فایده یعنی فرصت شغلی و درآمد مناسب می‌داند.

بر اساس نظریه تضاد، جامعه از گروه‌های به هم پیوسته‌ای تشکیل شده است. در بین این گروه‌ها توزیع نابرابرانه‌ای از منابع کمیاب و ارزشمند وجود دارد که منجر به افزایش قدرت در بین برخی از گروه‌ها و افراد می‌شود. سایر گروه‌ها هم به

1. Tembon, m.

دلیل رقابت بر سر قدرت و برای رسیدن به تحرک عمودی سعی در استفاده از روش‌های موجود در سازمان اجتماعی برای کسب قدرت می‌کنند؛ یکی از راه‌های ممکن ادامه تحصیل است. تحصیلات رسمی دانشگاهی یکی از راه‌های مشروع در هر جامعه‌ای برای رسیدن به قدرت و کسب منافع حقه افراد است و توسعه آموزشی حاصل فرآیندهای رقابت بر سر قدرت در میان گروه‌ها و افراد است (کالینز<sup>۱</sup>، ۱۹۷۷). بنابر این رویکرد نظریه تضاد، می‌توان نتیجه گرفت که نهادهای آموزشی و دانشگاه‌ها می‌توانند جایگاهی برای رسیدن به قدرت تلقی شوند.

نظریه فمینیست بر تبعیض جنسی علیه زنان در عرصه عمومی و خصوصی تأکید دارد. طرفداران نظریه فمینیست معتقدند که باید دلایل موقعیت فرودست زنان را درک نمود و بر آزادسازی آنان تلاش کرد (ریتزر، ۱۳۸۱). از نگاه فمینیست تحصیلات یکی از عوامل برتری مردان بر زنان است و به همین دلیل فمینیست‌ها بر برابری زن و مرد در امر تعلیم و تربیت تأکید دارند و به رفع تبعیض‌ها در آموزش عالی به عنوان یک راه حل اساسی برای افزایش قدرت زنان تأکید می‌کنند. به این ترتیب نظریه فمینیست هم مانند نظریه تضاد کارکرد اصلی دانشگاه را کسب قدرت برای گروه‌های فرودست از جمله زنان می‌داند.

در نظریه مصرف فرهنگی آموزش عالی به عنوان یک نظریه در جامعه شناسی، به طور مشخص به بررسی علل گسترش آموزش عالی و گرایش به تحصیلات دانشگاهی در جامعه ما پرداخته شده است. این تفکر در نظریه مصرف فرهنگی آموزش عالی وجود دارد که به دلیل فاصله گرفتن آموزش عالی از صنعت و تبدیل نشدن سرمایه‌ی فرهنگی به سرمایه‌ی اقتصادی، افراد برای کسب شأن و منزلت اجتماعی به کسب تحصیلات می‌پردازند. بنابراین در رویکرد این نظریه کارکرد اصلی دانشگاه در حال حاضر در جامعه ما نه تبدیل افراد به نیروی انسانی کارآمد در بازار کار، بلکه کسب منزلت و وجهه اجتماعی، ابراز خویشتن و هویت‌یابی برای افراد است (قانع‌ی راد و خاور، ۱۳۸۵).

با استفاده از نظریه کنش اجتماعی نیز این نتیجه حاصل می‌شود که کنش‌کنندگان در جهت ارزش‌ها و هنجارهای جامعه شکل می‌گیرد و این ارزش‌ها و مطلوب‌های جامعه است که به کنش سمت و سو می‌دهد. «داشتن تحصیلات دانشگاهی» یک ارزش در جامعه‌ی ما از گذشته تا به امروز محسوب می‌شود و تحقیقات انجام شده در جهان سوم نشان می‌دهد که تحصیلات دانشگاهی در این کشورها به نماد وجهه و منزلت و ارزش‌های اجتماعی تبدیل شده است (عطارزاده، ۱۳۸۷). بر اساس اصول مفروض در نظریه کنش و تطبیق آن با شرایط جامعه، کارکرد اصلی تحصیلات دانشگاهی کسب منزلت و موقعیت‌های اجتماعی برای افراد است.

نظریه علاقه علمی یک نظریه منسجم و یکپارچه در مورد آموزش عالی نیست. بر اساس این دیدگاه کارکرد اصلی دانشگاه به عنوان یک نهاد فرهنگی تولید علم و انتقال آن از طریق پرورش خلاقیت علمی و تبدیل افراد به فرهیختگانی تأثیرگذار در جامعه است.

به این ترتیب بر اساس هریک از نظریات عنوان شده مفاهیم کلیدی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بدست آمدند و از آنها برای سنجش کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از نظر جوانان استفاده شد. در جدول شماره ۱ مفاهیم کلیدی در هر نظریه برای مفهوم سازی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی عنوان شده است.

جدول شماره (۱): مفاهیم کلیدی در نظریات و بکار گرفته شده در مفهوم‌سازی تحصیلات دانشگاهی

متغیر	ابعاد	نظریات	مفاهیم
بعد اقتصادی		نظریه سرمایه انسانی	فرصت شغلی مناسب، درآمد کافی، کارایی در اقتصاد جامعه
		نظریه هزینه-فایده	فرصت شغلی مناسب درآمد کافی
بعد سیاسی	کارکرد تحصیلات دانشگاهی	نظریه تضاد	دستیابی به قدرت سازمانی
		نظریه فمینیسم	دستیابی به قدرت سازمانی، دستیابی به قدرت فردی
بعد اجتماعی		نظریه مصرف فرهنگی آموزش عالی	منزلت اجتماعی و کسب موقعیت‌های بهتر اجتماعی
		نظریه کنش	منزلت اجتماعی و کسب موقعیت‌های بهتر اجتماعی
بعد فرهنگی		نظریه علاقه علمی	علاقه در کسب دانش و تخصص، شکوفایی، خلاقیت و ذهن باز

در تحقیقات و ادبیات به کار گرفته شده در آنها، متغیرهای زمینه‌ای مانند جنسیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سن و... عوامل تأثیرگذاری در انگیزه و گرایش افراد برای ورود به دانشگاه عنوان شده‌اند. بنابراین می‌توان فرض کرد که این متغیرها در نگاه افراد به میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی و اولویت‌بندی آنها موثر خواهند بود. بنابراین تعدادی از این متغیرها در این تحقیق بکار گرفته شد؛ تا تفاوت میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از طریق آنها بررسی شود. این متغیرها شامل جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، وضعیت تأهل، پایگاه خانوادگی، وضعیت در خانواده، وضعیت اشتغال، رشته تحصیلی فرد پاسخگو و علاقه برای ورود به دانشگاه و نوع دانشگاه است.

چارچوب مفهومی این تحقیق بر مبنای نظریه پارسونز استوار است. پارسونز مفهوم کنش را به عنوان نقطه شروع تحلیل انتخاب می‌کند، اصطلاح کنش در تحلیل او به معنای وسیع کلمه در نظر گرفته می‌شود که نه فقط شامل رفتارهای بیرونی قابل مشاهده است بلکه شامل تفکرات، احساسات، امیال و غیره می‌شود. کنش همواره در چهار زمینه قرار می‌گیرد:

۱- زمینه زیستی یعنی ارگانسیم عصبی-جسمی با نیازها و خواسته‌های مربوط به خود.

۲- زمینه روانی که همان شخصیت.

۱- زمینه اجتماعی یعنی کنش متقابل بین بازیگران اجتماعی و گروه‌ها.

۲- زمینه فرهنگی یعنی هنجارها، مدلها، ارزش‌ها، ایدئولوژیها و شناخت.

هر کنش محسوس و ملموسی همواره جامع و ترکیبی است، یعنی در آن واحد در چهار زمینه قرار می‌گیرد و نتیجه کنش متقابل و یا تحت تأثیراتی است که از هر یک از این زمینه‌ها نشأت می‌گیرد (روشه، ۱۳۷۵: ۱۶۲). بر همین اساس پارسونز به تبیین نیازها و انگیزه‌ها می‌پردازد. او به عنوان یک جامعه‌شناس کارکردگرای ساختی، انواع نیازهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از یکدیگر متمایز می‌سازد. به زعم او، محور نیازهای اقتصادی «پول»، محور نیازهای سیاسی «قدرت» و محور نیازهای فرهنگی و اجتماعی «نفوذ در تعاملات و اندیشه و پای‌بندی به ارزش‌ها» است. وی کسب پول و قدرت و نفوذ به ارزش‌ها را مهمترین خواسته‌های مطلوب یک جامعه می‌داند. پارسونز بر این باور است که بقای جامعه در برطرف کردن چهار نیاز اصلی است:

۱- انطباق با محیط: نیازهای اقتصادی	۲- دستیابی به هدف: نیازهای سیاسی
۳- یکپارچگی: نیازهای اجتماعی	۴- حفظ الگو: نیازهای فرهنگی

یک جامعه برای بقا و ماندگاری خود باید به نیازهای متنوع اعضایش پاسخ دهد (همان: ۱۳۵). تالکوت پارسونز کارکرد را مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۳۱). چهار خرده نظام (اجتماعی، فرهنگی، شخصیت و ارگانیسم) به برآورده کردن چهار کارکرد یکپارچگی، حفظ الگو، دستیابی به هدف و انطباق با محیط می‌پردازند (روشه، ۱۳۷۵).

همچنین، نظریه پارسونز به صورت انتزاعی این امکان بالقوه را برای تحلیل‌گر اجتماعی فراهم می‌کند که بتواند با استعانت از آن به توصیف و طبقه‌بندی مفاهیم و نظریه‌ها مبادرت ورزد (چلبی، ۱۳۷۵). بر این اساس می‌توان جایگاه تقریبی بعضی از نظریاتی که در خصوص «ورود به دانشگاه» قدرت تبیین‌کنندگی دارند، را در فضای کنش نشان داد:

شکل شماره ۱: مدل AGIL پارسونز

A	ارگانیسم زیستی	شخصیت	G
تطابق با محیط	نظریه سرمایه انسانی، نظریه هزینه-فایده	نظریه تضاد، نظریه فمینیست	دستیابی به هدف
یکپارچگی	نظریه مصرف فرهنگی آموزش عالی، نظریه کنش	نظریه علاقه علمی	حفظ الگو
I	نظام اجتماعی	نظام فرهنگی	L

## ۲. روش

در این پژوهش، روش پیمایش بکار گرفته شده است. واحد تحلیل و مشاهده در این بررسی، افراد هستند، به این ترتیب از نظر معیار وسعت (کلان، میانه، خرد) تحقیق حاضر در سطح خرد انجام می‌گیرد. روش جمع آوری اطلاعات، روش تنظیم پرسشنامه است. بر اساس تعاریف نظری و عملیاتی انجام شده از متغیرهای اصلی و کنترل، پرسشنامه تحقیق به عنوان ابزار سنجش متغیرها ایجاد شد که شامل تعدادی کلمات متضاد - که به صورت طیف برش طیفین مورد سنجش قرار گرفته‌اند - و تعدادی سئوالات بسته و باز هستند.

جامعه آماری پژوهش حاضر جمعیت جوان (جمعیت ۱۷ تا ۳۰ سال) ساکن شهرستان گناباد هستند که بر طبق اطلاعات بدست آمده از سرشماری سال ۱۳۹۰ توسط مرکز آمار ایران، شامل ۲۰۰۲۸ نفر هستند. بر اساس فرمول حجم نمونه کوکران، حجم نمونه این تحقیق می‌توانست ۳۷۶ نفر باشد. اما بر اساس نظر محقق، برای اطمینان نسبت به بازگشت پرسشنامه‌های کافی و امکان حذف موارد ناقص و همچنین وجود متغیرهای متعدد، حجم نمونه شامل ۵۰۰ نفر از جوانان شهر گناباد گردید که این تعداد با توجه به امکانات و مقتضیات تحقیق تعیین شد. نهایتاً پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها و حذف موارد ناقص، ۴۷۱ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفتند.

روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر، از نوع تصادفی و به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. شیوه نمونه‌گیری در شهر گناباد بر اساس حوزه بندی شهرداری گناباد و مرکز آمار و اطلاعات ایران است که این شهر را به ۳۱ حوزه شهری تقسیم بندی کرده است. ابتدا در یک تقسیم بندی کلی این شهر به سه بخش شمالی، مرکزی و جنوبی قسمت شد. در سمت شمال شهر ۱۰ حوزه، در مرکز ۱۰ حوزه و در جنوب ۱۱ حوزه قرار دارد. در مرحله بعد در هر ۳ بخش، تعدادی حوزه (۵ حوزه) به روش تصادفی انتخاب شدند، در هر یک از این حوزه‌ها تعدادی بلوک‌های مسکونی وجود دارد، در نهایت با روش قرعه‌کشی از هر یک از این حوزه‌ها ۵ بلوک مسکونی انتخاب شدند که از درون این بلوک‌ها پرسشگران با مراجعه به درب منازل، افراد مورد نظر را یافته و مصاحبه با آنها انجام می‌شود.

سوالات تحقیق حاضر به این صورت مطرح می‌گردد که:

- کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از منظر پاسخگویان در میان جامعه آماری و به صورت تفصیلی در میان افراد مورد مطالعه چگونه است؟

- رتبه‌بندی پاسخگویان از میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چگونه است؟

- آیا کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از نظر سه دسته جامعه آماری (دانش آموزان، دانشجویان، فارغ التحصیلان) متفاوت است؟

- آیا کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از نظر پاسخگویان (براساس متغیرهای زمینه‌ای مثل جنس، سن، وضعیت تأهل، پایگاه خانوادگی، وضعیت در خانواده، وضعیت اشتغال، رشته تحصیلی فرد پاسخگو و علاقه برای ورود به دانشگاه و نوع دانشگاه) متفاوت است؟

به منظور سنجش کارکردهای تحصیلات دانشگاهی، به طور غیر مستقیم کارایی یک فرد فارغ التحصیل (به طور کلی) مورد سنجش قرار گرفته است. بدین منظور، تعدادی صفات براساس طیف برش قطبین و در مقیاس‌های ۵ قسمتی تنظیم و تدوین می‌شود. روش برش قطبین مبتنی بر تداعی معانی است و چگونگی کار با آن به این صورت است که طی آن محرک خاصی (در اینجا یک فرد فارغ التحصیل) به پاسخگو داده شده و از او درخواست می‌شود تا آن محرک را بر مبنای کلمات بررسی کند و بگوید که بین محرک مورد نظر و صفات و یا گویه‌های مورد اشاره، چه رابطه‌ای می‌تواند برقرار نماید؛ مثلاً فارغ التحصیل دانشگاه را به تولیدکننده نزدیکتر تصور می‌کند یا به مصرف‌کننده؟ صفات و یا گویه‌های طراحی شده در هر بعد (ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) متناسب با نظریات مربوط به هر بعد در نظر گرفته شدند. یکی از کاربردهای روش برش قطبین سنجش وجهه افراد در جامعه است (رفیع پور، ۱۳۸۳: ۲۹۴). از این طریق می‌توان نشان داد که فرد فارغ التحصیل از نظر گروه‌ها و افراد مختلف جامعه ما چه جایگاهی دارد، دارای چه ارزش‌هایی است و نهایتاً اینکه کدام یک از کارکردهای تحصیلات دانشگاهی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی) در مورد یک فرد فارغ التحصیل امتیاز بیشتری از دید جوانان کسب می‌کند.

اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار صوری و اعتبار سازه مورد سنجش قرار گرفت. علاوه بر تطبیق مبانی نظری با ادبیات پژوهش، پرسشنامه بارها و بارها توسط متخصصین رشته جامعه‌شناسی مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت. اعتبار سازه نیز توسط تحلیل عامل شد. مقدار kmo برای مفاهیم مورد سنجش ۰/۹۲۶/ این میزان برای kmo نشان دهنده‌ی این است که داده‌ها برای تحلیل عامل مناسب بوده و نتایج آزمون بارتلت نیز معنادار بود. در جدول عوامل دوران یافته بعضی از کلمات متضاد با کلمات متضاد سایر ابعاد نیز همبستگی داشتند، که به این علت حذف شدند. در نهایت در هر بعد ۸ جفت کلمات متضاد باقی ماندند.



روایی متغیرها از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد، ضریب روایی کل ۰/۹۲، کارکرد اقتصادی، ۰/۸۳، کارکرد اجتماعی، ۰/۸۷، کارکرد سیاسی ۰/۸۰ و کارکرد فرهنگی ۰/۸۴ بدست آمد.

### ۳. یافته ها

معرفی جامعه نمونه

از بین ۴۷۱ پاسخگو، ۴۹٫۹ درصد (۲۳۵ نفر) زن و ۵۰٫۱ درصد (۲۳۶ نفر) مرد هستند. ۳۱ درصد (۱۴۶ نفر) دانش آموز، ۳۴٫۸ درصد (۱۶۴ نفر) دانشجو و ۳۴٫۲ درصد (۱۶۱ نفر) فارغ التحصیل (۵۴ درصد شاغل و ۴۶ درصد بیکار) هستند. حدود ۷۳٫۵ درصد از پاسخگویان مجرد و ۲۶٫۵ درصد آنان متأهل هستند.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۲۹٫۷ درصد خانواده ها پایین و ۵۸٫۹ درصد خانواده ها متوسط است. ۱۱٫۴ درصد خانواده ها هم پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا دارند. این متغیر از طریق ترکیب رتبه شغلی سرپرست خانواده، جمع میزان تحصیلات پدر و مادر (در صورت تأهل پاسخگو و همسر) و درآمد ماهیانه خانوار بدست آمده است.

### کارکردهای تحصیلات دانشگاهی

بررسی توصیفی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی نشان می‌دهد که در بین ۴ کارکرد بررسی شده، کارکرد اجتماعی با میانگین ۳۲ بالاترین نمره را کسب کرده است، بعد از آن کارکرد فرهنگی با میانگین حدود ۳۰ بالاترین نمره را بدست آورده است. کارکرد سیاسی با میانگین ۲۸/۷۱ در رده بعدی قرار دارد و کارکرد اقتصادی با میانگین ۲۳/۴۳ کمترین نمره را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره (۲): شاخص‌های آماری متغیر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی و ابعاد چهارگانه

متغیر	میانگی ن	میانه	مد	انحراف استاندارد	کمتری ن	بیشترین	طیف
کارکرد اقتصادی	۲۳/۴۳	۲۳	۲۲	۶/۱۲۹	۸	۴۰	۳۲
کارکرد سیاسی	۲۸/۷۱	۲۹	۲۷	۵/۰۳۵	۸	۴۰	۲۷
کارکرد اجتماعی	۳۲/۰۶	۳۲	۳۲	۵/۱۴۶	۸	۴۰	۳۲
کارکرد فرهنگی	۲۹/۸۰	۳۰	۳۰	۵/۳۴۰	۱۱	۴۰	۲۹
کارکرد تحصیلات دانشگاهی	۱۱۳/۹۸	۱۱۳	۱۰۹	۱۷/۱۲۸	۵۹	۱۶۰	۱۰۱

برای پاسخ به این که «رتبه‌بندی پاسخگویان از میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چگونه است؟» آزمون فریدمن مناسب‌ترین آزمون محسوب می‌شود. هرگاه بخواهیم از یک پاسخگو سئوالات متعدد داشته‌باشیم و در نهایت بخواهیم برای افراد مختلف میانگین رتبه‌های سئوالات را با هم مقایسه و رتبه‌بندی کنیم، از این آزمون استفاده می‌کنیم.

با استناد به مقدار آزمون کای اسکوتر (۶۶۹/۱۰۲) که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی‌دار است، می‌توان گفت که به لحاظ آماری با اطمینان ۰/۹۹ نظر پاسخگویان در مورد میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با همدیگر تفاوت دارند و این نتیجه دلالت بر تفاوت نظر پاسخگویان در مورد میزان کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تحصیلات دانشگاهی دارد.

آزمون فریدمن علاوه بر معنی‌داری تفاوت یا عدم تفاوت میانگین نظر پاسخگویان در مورد کارکردهای تحصیلات دانشگاهی به اولویت‌بندی نظر پاسخگویان در مورد کارکردهای تحصیلات دانشگاهی نیز می‌پردازد. برای این منظور می‌توانیم از نتایج جدول رتبه‌بندی استفاده کنیم. طبق نتایج این جدول میانگین رتبه کارکرد اجتماعی ۳/۴۴ است که بالاترین کارکرد در بین چهار کارکرد دیگر است. بعد از آن کارکرد فرهنگی با میانگین رتبه ۲/۷۶ در مقام دوم قرار دارد، کارکرد سیاسی هم با میانگین رتبه ۲/۴۴ در اولویت سوم کارکردها جای می‌گیرد و نهایتاً کارکرد سیاسی با میانگین رتبه ۱/۳۷ پایین‌ترین اولویت محسوب می‌شود.

جدول شماره (۳): اولویت‌بندی کارکردهای تحصیلات بر اساس آزمون فریدمن

اولویت	میانگین رتبه	کارکردهای تحصیلات دانشگاهی
۱	۳/۴۴	کارکرد اجتماعی
۲	۲/۷۶	کارکرد فرهنگی
۳	۲/۴۴	کارکرد سیاسی
۴	۱/۳۷	کارکرد اقتصادی

نتیجه آزمون فریدمن در مورد اولویت‌بندی در دو جنس نشان می‌دهد که اولویت‌بندی کارکردها در دو جنس مشابه است به طوریکه کارکرد اجتماعی در اولویت هر دو جنس قرار دارد، بعد از آن هم به ترتیب کارکرد فرهنگی و سیاسی قرار دارند، در نهایت هم کارکرد اقتصادی آخرین اولویت محسوب می‌شود.

#### رگرسیون رتبه‌ای برای متغیر وابسته

گرچه هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی و اولویت‌بندی آنها در نظر پاسخگویان است، اما با استفاده از مجموعه متغیرهای مستقل موجود در تحقیق می‌توان به تبیین متغیر وابسته موجود نیز پرداخت. برای این منظور از آنجا که اکثریت متغیرهای مستقل در سطح اسمی هستند، رگرسیون رتبه‌ای<sup>۱</sup> مناسب‌ترین نوع رگرسیون است. در این رگرسیون متغیر وابسته باید در سطح ترتیبی باشد. به این منظور در این مدل رگرسیون متغیر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از منظر پاسخگویان در سه دسته ترتیبی بدین، بینابین و خوشبین از طریق تحلیل خوشه‌بندی<sup>۲</sup> قرار داده شد و با متغیرهای مستقل در رابطه قرار گرفت. جدول شماره ۴ توزیع فراوانی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی را در سه دسته‌بندی نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌گردد در تحلیل خوشه‌بندی پاسخگویان در سه دسته‌بندی بدین، بینابین و خوشبین نسبت به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی قرار گرفتند. توزیع نسبی این دسته‌بندی به این ترتیب است: بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۳/۵ درصد) در دسته بندی در گروه افرادی قرار دارند که نسبت به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی نظر «بینابین» دارند. در دسته بدین ۲۲/۱ درصد (۱۰۴ نفر) جای گرفتند و در دسته خوشبین هم ۲۴/۴ درصد قرار دارند. در مجموع حدود ۷۵ درصد پاسخگویان در دسته بندی خوشبین قرار ندارند.

جدول شماره (۴): توزیع فراوانی و نسبی نظر پاسخگویان در مورد کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در سه دسته بندی

دسته بندی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بدبین	۱۰۴	۲۲/۱	۲۲/۱
بینابین	۲۵۲	۵۳/۵	۷۵/۶
خوشبین	۱۱۵	۲۴/۴	۱۰۰/۰
مجموع	۴۷۱	۱۰۰/۰	

متغیر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی به عنوان متغیر وابسته در سطح ترتیبی وارد معادله می‌گردد. سه متغیر سن پاسخگویان و پایگاه اقتصادی- اجتماعی و علاقه برای ورود به دانشگاه نیز به عنوان متغیرهایی در سطح سنجش فاصله‌ایی در قسمت مربوط به خود (Covariate) قرار می‌گیرند. سپس متغیرهای جنس، مقطع تحصیلی، وضعیت تأهل، وضعیت در خانواده و وضعیت فعالیت که همه در سطح سنجش اسمی قرار دارند، در قسمت مربوطه یعنی Factors قرار می‌گیرند. نتیجه این مدل رگرسیونی در پایین گزارش شده است.

آزمون نیکویی برازش مدل و مربوط به مفروضات رگرسیون ترتیبی با توجه به این که آماره بیش از ۰/۰۵ است، مشخص می‌شود که مدل از تناسب لازم برخوردار است و بیشتر موارد در مفروضات رگرسیون رعایت شده است. ضریب نکلاک رقم حدود ۰/۱۳ را نشان می‌دهد یعنی کل متغیرهای مستقل در مجموع حدود ۱۳٪ از متغیر وابسته در جامعه آماری را تبیین می‌کنند. جدول شماره ۵ ضرایب تأثیر مربوط به متغیرهای مستقل کمی و کیفی را نشان می‌دهد.

در این جدول مشاهده می‌گردد که برآوردهای عرض از مبدا از ۳ طبقه کارکردهای تحصیلات دانشگاهی به دو طبقه کاهش یافته است. چرا که در دستور رگرسیون ترتیبی، طبقه آخر متغیر وابسته به عنوان طبقه مرجع برای بررسی احتمالات تغییر در متغیر وابسته به ازای تغییر در متغیرهای مستقل در نظر گرفته می‌شود. همانطور که در این جدول مشاهده می‌گردد، تأثیر متغیرهای سن، علاقه برای ورود به دانشگاه، جنسیت طبقه «زن»، مقطع تحصیلی طبقه «دانش آموز و دانشجو»، وضعیت تأهل طبقه «مجرد»، وضعیت در خانواده طبقه «فرزند» و وضعیت فعالیت طبقه «بیکار» در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنی دار هستند. یعنی همراه با کاهش مقادیر متغیرهای سن، مقطع تحصیلی، وضعیت در خانواده و وضعیت فعالیت میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از نظر پاسخگویان افزایش می‌یابد و همراه با افزایش علاقه برای ورود به دانشگاه، جنسیت (زن بودن) و وضعیت تأهل (مجرد بودن) میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از دید پاسخگویان افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۵): برآوردهای مقادیر پارامتر

متغیرها	مقدار برآورد	خطای استاندارد	آزمون والد	درجه آزادی	سطح معناداری	
					دامنه پایین‌تر	دامنه بالاتر
<b>آماره های مربوط به معادله رگرسیون سطوح متغیر وابسته</b>						
طبقه ۱	-۲/۴۸۲	۰/۸۶۰	۸/۳۳۴	۱	۰/۰۰۴	-۴/۱۶۷ -۰/۷۹۷
طبقه ۲	-۰/۶۰۴	۰/۸۵۲	۰/۵۰۲	۱	۰/۴۷۹	-۲/۲۷۴ -۱/۰۶۷
<b>آماره های مربوط به معادله رگرسیون متغیرهای مستقل</b>						
سن	-۰/۰۸۳	۰/۰۲۶	۹/۹۳۳	۱	۰/۰۰۲	-۱/۱۳۴ -۰/۰۳۱
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۱	۰/۹۸۴	-۰/۰۱۲ -۰/۰۱۳
علاقه برای ورود به دانشگاه	۰/۲۳۲	۰/۰۵۹	۱۵/۵۶۱	۱	۰/۰۰۰	۰/۱۱۷ -۰/۳۴۷
جنسیت (زن)	۰/۳۵۳	۰/۱۲۹	۷/۴۴۸	۱	۰/۰۰۶	۰/۰۹۹ -۰/۶۰۶
مقطع تحصیلی (دانش‌آموز)	-۱/۰۹۵	۰/۳۴۸	۹/۸۹۷	۱	۰/۰۰۲	-۱/۷۷۷ -۰/۴۱۳
مقطع تحصیلی (دانشجو)	-۰/۷۳۳	۰/۲۳۵	۹/۶۹۰	۱	۰/۰۰۲	-۱/۱۹۵ -۰/۲۷۱
وضعیت تأهل (مجرد)	۰/۵۰۳	۰/۲۰۷	۵/۹۳۵	۱	۰/۰۱۵	۰/۰۹۸ -۰/۹۰۸
وضعیت در خانواده (فرزند)	-۰/۵۲۲	۰/۲۶۳	۳/۹۲۶	۱	۰/۰۴۸	-۱/۰۳۸ -۰/۰۰۶
وضعیت فعالیت (بیکار)	-۰/۶۳۰	۰/۲۱۱	۸/۹۴۰	۱	۰/۰۰۳	-۱/۰۴۲ -۰/۲۱۷

سطح معناداری در آزمون خطوط موازی که کمتر از ۰/۰۵ است نشان می‌دهد که تاثیر متغیرهای مستقل بر تمام سطوح (طبقات) متغیر وابسته یکسان نیست. یعنی اثر متغیرهای مستقل بر همه طبقات متغیر وابسته یکسان نیست.

#### ۴. بحث

با توجه به روند روبه رشد ورود دانش آموزان ایرانی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور که طی سالهای اخیر نه تنها سیری نزولی یا کند نیافته بلکه بیشتر و شدیدتر هم شده است؛ پژوهش کنونی در پی دستیابی به دیدگاه‌های جوانان در مورد کارکردهای دانشگاه است تا از این طریق به بخشی از اندیشه‌ها و تفکرات آنان در مورد دانشگاه و انگیزه‌های آنان از ورود به دانشگاه پی ببرد. نتیجه این تحقیق به طور مختصر در پایین عنوان می‌گردد.

تحلیل توصیفی انجام شده بر روی داده‌ها نشان می‌دهد که جوانان بیش از همه به کارکرد اجتماعی دانشگاه توجه داشتند، یعنی کارکردهای اجتماعی تحصیلات دانشگاهی همچون داشتن منزلت اجتماعی، باکلاس بودن، مایه افتخار خانواده و ارزشمند بودن در بین اطرافیان را در رأس کارکردهای دانشگاه دانسته‌اند. بعد از آن کارکرد فرهنگی بالاترین نمره را کسب کرده است، کارکرد سیاسی در رتبه سوم قرار دارد و در نهایت کارکرد اقتصادی کمترین نمره را دریافت کرده است. یعنی درآمدزایی، مفید و موثر بودن در اقتصاد جامعه، تولید کردن، کارایی در خدمت به جامعه و... از طریق تحصیلات دانشگاهی را کم اهمیت‌تر از سایر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی دانسته‌اند.

بنابراین می‌توان تا حد زیادی نظر قانعی راد و خاور (۱۳۸۵) را در این مورد که انگیزه‌های مادی در ورود جوانان نقش کمتری به نسبت انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی دارند را پذیرفت. اما در هر حال تمامی کارکردهای تحصیلات مورد توجه جوانان بوده است و تمامی کارکردها از جمله کارکرد اقتصادی نمره حداقلی را کسب کرده‌اند.

کارکرد اجتماعی دانشگاه برای جوانان امروز از سایر کارکردهای دانشگاه اهمیت بیشتری دارد. این نتیجه را می‌توان با این نظر عطارزاده (۱۳۸۷) که تحصیلات دانشگاهی در جهان سوم به نماد وجهه، منزلت و ارزش اجتماعی تبدیل شده است، انطباق داد.

در مجموع زنان نسبت به مردان کارایی بیشتری برای دانشگاه قائل هستند و این می‌تواند توجیه کننده تعداد بیشتر زنان در دانشگاه باشد. بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهند که زنان به تمامی کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تحصیلات دانشگاهی نمره بیشتری دادند و این تفاوت با مردان به لحاظ آماری معنادار است. این نتیجه با نظر قانعی راد و خاور (۱۳۸۵) و ایرجی‌زاده (۱۳۷۶) در این مورد که عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذاری بیشتری در ورود زنان به دانشگاه دارد، متفاوت است؛ زیرا زنان نمونه آماری این پژوهش به تمامی کارکردهای دانشگاه نسبت به مردان امتیاز بالاتری داده‌اند و حتی در شرایط کنونی که امکان ورود به بازار کار برای زنان دانش‌آموخته بسیار مشکل شده است (نوروزی، ۱۳۸۳؛ هاشمی، ۱۳۸۱)، به کارکرد اقتصادی نمره بالاتری نسبت به مردان داده‌اند. این نتیجه را می‌توان با تحقیق لیاقتدار و همکارانش (۱۳۸۶) و بسیاری از تحقیقات خارجی منطبق دانست، بر اساس اطلاعات بدست آمده از تحقیق این پژوهشگران، علاقه‌مندی زنان به کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی، احراز شغل و مشارکت سیاسی در گرایش آنها به آموزش عالی بسیار موثر است.

شاغلین فارغ‌التحصیل هم طبیعتاً نسبت به بیکاران فارغ‌التحصیل به کارکردهای دانشگاه نمره بیشتری دادند، زیرا کارایی آموزش عالی برای این افراد تا حد زیادی به اثبات رسیده است و به عبارتی حاصل تلاش و زحمات خود در دانشگاه را از طریق بدست آوردن شغل مناسب دیده‌اند. کسانی که پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتری دارند، کارکرد اقتصادی بیشتری برای تحصیلات دانشگاهی قائل هستند و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است. پایگاه اقتصادی-اجتماعی در سایر کارکردها تفاوت معناداری در بین پاسخگویان ایجاد نمی‌کند. این نتیجه با نتایج تحقیق کلدی و فلاح (۱۳۸۸) و زارع شاه‌آبادی (۱۳۸۱) مطابقت می‌کند. تحقیق کلدی و فلاح (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیدند که پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده تأثیری در ارزیابی دانشجویان در مورد کارکردهای فرهنگی-اجتماعی نهاد دانشگاه ندارد. زارع شاه‌آبادی (۱۳۸۱) نیز دریافت که گرایش به آموزش عالی در بین طبقات اجتماعی مختلف یکسان است.

دانش‌آموزان در مقابل دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دیدگاه خوشبینانه‌تری نسبت به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی دارند، کسانی که سن بالاتری دارند (دانشجویان و فارغ‌التحصیلان)، از آنجا که ورود به دانشگاه را تجربه کردند، دیدگاه واقع‌بینانه‌تری نسبت به دانش‌آموزان دارند و کارکردهای کمتری برای دانشگاه قائل هستند. این نتیجه با تحقیق زارع شاه‌آبادی (۱۳۸۱) هماهنگ است؛ در این تحقیق محقق به این نتیجه رسیده است که گرایش به آموزش عالی با ورود به دانشگاه و تجربه تحصیلات دانشگاهی پایین می‌آید.

نتایج در بخش توصیفی نشان می‌دهند که کارکردهای اجتماعی تحصیلات دانشگاهی در اولویت اول جوانان قرار دارد و کارکرد اقتصادی در اولویت آخر آنها قرار گرفته است. اما در هر صورت تمامی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی مد نظر جوانان قرار دارد و به تمامی این کارکردها نمره حداقلی «متوسط» داده شده است. بنابراین نمی‌توان گفت که برای جوانان تنها یک دسته از کارکردها مثلاً کارکرد اجتماعی مهم است و سایر عوامل در طیف یک تا صفر نمره صفر را می‌گیرند. در حالی که نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که پاسخگویان کارکرد اول تحصیلات دانشگاهی را کارکرد اجتماعی آن می‌دانند، یافته‌ها در اکثر تحقیقات خارجی مبین این واقعیت هستند که داوطلبین کارکرد اقتصادی و فرهنگی را به عنوان اولویت کارکردی تحصیلات دانشگاهی در نظر گرفتند.

دانشگاه محلی برای آموزش و انتقال فرهنگ علم و تحقیق و نوآوری در عرصه‌های علمی است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با آموزش‌های مهارت‌های علمی و عملی به نیروی انسانی، به تأمین نیروی کارآمد مورد نیاز جامعه می‌پردازد. «داشتن تحصیلات دانشگاهی» یک ارزش در جامعه‌ی ما از گذشته تا به امروز محسوب می‌شود. اما امروز «رفتن به دانشگاه» در جامعه ما نه تنها یک «ارزش» است بلکه به یک «هنجار» تبدیل شده است. نیاز به احترام به عنوان یک نیاز اساسی و وجود هنجار «رفتن به دانشگاه» در جامعه است که تحصیلات عالی را برای افراد جامعه با ارزش می‌کند. این تبدیل شدن «رفتن به دانشگاه» به هنجار یعنی اینکه اولویت کارکرد اجتماعی برای داوطلبین ورود به دانشگاه (مردان و زنان) در صدر قرار گرفته است. در صورتیکه برای داشتن دانشگاهی کارآمد و تأثیرگذار در جامعه نیاز به توجه بیشتر به کارکردهای علمی و فرهنگی دانشگاه است. نکته تأمل برانگیز در این زمینه این است که پاسخگویان کارکرد اقتصادی دانشگاه را به عنوان آخرین اولویت کارکردهای دانشگاه انتخاب کردند. این موضوع یعنی اینکه پاسخگویان نه تنها یک فرد فارغ‌التحصیل دانشگاه را از لحاظ فردی در امر اشتغال و درآمدزایی موفق نمی‌دانند، بلکه در سطح کلان هم تحصیلات دانشگاهی را هم غیرمفید و بی‌اثر در نظام اقتصادی می‌دانند.

از دیگر یافته‌های این تحقیق این بود که با وجود اینکه در بسیاری از تحقیقات بر اولویت کارکرد اجتماعی در بین دختران و اولویت کارکرد اقتصادی تحصیلات دانشگاهی در بین پسران برای ورود به دانشگاه تأکید شده است (قانع‌ی راد و خاور، ۱۳۸۵؛ ظهیری نیا و بهروزیان، ۱۳۹۱؛ زارع شاه‌آبادی، ۱۳۸۱ و...). در این تحقیق گرچه نمره‌ی تمامی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در بین زنان بیشتر از مردان بود، اما در بحث اولویت‌بندی‌ها این نکته وجود دارد که مردان هم کارکردهای اجتماعی دانشگاه را به عنوان اولین اولویت انتخاب کردند. بنابراین مردان هم در این نظر که کارکردهای اجتماعی دانشگاه بر دیگر کارکردهای آن اولویت دارد، با زنان همسو هستند.

تفاوت بین نمره‌ی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در بین سه گروه دانش‌آموزان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان و در کنار آن تأثیر منفی سن بر میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی، از دیگر یافته‌های تحقیق حاضر است. این نتیجه ناظر بر این واقعیت است که دانش‌آموزان و نوجوانان با تصور مثبت و رویاگونه وارد دانشگاه می‌شوند، آنها دانشگاه را صرفاً محلی برای کسب مدارک دانشگاهی می‌دانند، جایی که امکان جابه‌جایی طبقه اجتماعی خود و صعود به طبقات بالاتر اجتماعی-اقتصادی را می‌یابند؛ و به این دلیل است که اکثر دانش‌آموزان ایرانی تمایل زیادی برای ورود به دانشگاه دارند. اما در دوران دانشجویی و یا فارغ‌التحصیلی دیدشان نسبت به کارکردهای دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی تغییر می‌کند و در بعضی موارد مانند شرایط افراد فارغ‌التحصیل بیکار نگاهی منفی به تحصیلات دانشگاهی پیدا می‌کنند. این وضعیت شرایط را برای بی‌انگیزگی و رخوت جوانان که مهمترین سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند، فراهم می‌کند. عدم تفاوت میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در میان پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوت، از دیگر یافته‌های این تحقیق است. نتیجه این تحقیق همسو با سایر تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که از نظر جوانانی با پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوت، نمره‌های یکسانی به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی می‌دهند. تنها استثناء در این زمینه کارکردهای اقتصادی تحصیلات دانشگاهی است، بدین معنا که جوانانی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتری دارند، نمره بیشتری به کارکردهای اقتصادی دانشگاه می‌دهند. این نتیجه تاحدودی منطقی به نظر می‌رسد از آنجا که جوانانی که والدین آنها از سطح تحصیلات بالایی برخوردار هستند و از لحاظ پایگاه اقتصادی و درآمدی هم در سطح بالایی قرار می‌گیرند، کارایی تحصیلات دانشگاهی را به عین در زندگی والدین خود مشاهده کردند و الگوهای موفق از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را در کنار خود می‌بینند. این روند خود بر چرخش و انتقال سرمایه فرهنگی خانواده موثر است.

گرایش شدید به آموزش عالی در بین جوانان و به ویژه زنان ناشی از فقدان یا کمبود زمینه‌های دیگر برای پیشرفت و موفقیت برای آنان در جامعه است. مسئولین می‌توانند با چاره اندیشی در این زمینه نسبت به رفع موانع حقوقی، قانونی، اجتماعی و فرهنگی گام‌های موثری بردارند. افزایش بسیار زیاد زنان تحصیل کرده گرچه می‌تواند در حیات خانوادگی و فردی مفید و موثر قلمداد می‌شود، اما در نهایت باعث ایجاد حضور گسترده‌ی قشری از زنان در جامعه می‌گردد که به سرخوردگی اجتماعی دچار شدند.

برای داشتن مجامع دانشگاهی پویا و شکوفا در عرصه جامعه، باید به خروج تحصیلات دانشگاهی از نماد منزلت و وجهه‌ی صرف برای افراد توجه نمود، به این ترتیب با ورود نیروهای جویای حقیقی علم به دانشگاه، دانش‌مداری در کانون توجه قرار می‌گیرد و این خود به تحول بنیادی در نظام ارزشگذاری جامعه نیاز دارد. اما شروع این حرکت می‌تواند از دانشگاه باشد، مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای مولد دانش باید برای تربیت دانشجویان هدفمند تلاش کنند و این امر تحقق نمی‌یابد مگر در سایه‌ی دقت در انتخاب و گزینش دانشجویان به خصوص در مقاطع تحصیلات تکمیلی و اجتناب از گسترش بی حساب و نمایشی آن و سپس شکل‌دهی به دانشجویان به عنوان نیروی کارآمد و کارآفرین. با روند کاهش جذب دانشجو به دلیل کاهش جمعیت جوانان، از این پس می‌توان به کیفیت آموزشی توجه بیشتری داشت؛ که این نیازمند نظارت انتقادی بر کیفیت گروه‌های آموزشی تمامی دانشگاه‌ها و مقاومت در برابر حاکمیت معیارهای کمی بر آموزش عالی است.

## منابع

- ایرجی زاده، اعظم (۱۳۷۶). بررسی مشارکت زنان در آموزش عالی ایران (جلد اول). مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- حیدری، حجت صفار؛ صالحی عمران، ابراهیم و منتظری جویباری، انسیه (۱۳۸۸). زمینه یابی افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی (مطالعه موردی دانشگاه مازندران). فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۴.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری اجتماعی). تهران: نشر نی.
- دهنوی، جلیل؛ سعید، معیدفر (۱۳۸۴). بررسی رابطه نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجو. نشریه مطالعات زنان. سال سوم، شماره ۷.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۳). کندوکاوها و پنداشته‌ها. تهران: چاپ انتشار.
- روشه، گی (۱۳۷۵). کنش اجتماعی. (هما زنجانی زاده، مترجم). مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- رینزر، جورج (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر (چاپ ششم). (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.
- زارع شاه آبادی، اکبر (۱۳۸۱). بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر گرایش به آموزش عالی در ایران (مطالعه تطبیقی دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه یزد). مجله علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۸.
- صالحی، ابراهیم (۱۳۸۳). دیدگاه‌های نظری توسعه آموزش عالی. راهبردهای بازرگانی- دانشور رفتار سابق- دوره ۱، شماره ۵.
- ظهیری‌نیا، مصطفی؛ بهروزیان، بهروز (۱۳۹۱). مقایسه عوامل موثر در ورود زنان و مردان به دانشگاه. فصلنامه علمی و پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، شماره ۴.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷). دانشگاه و نوآوری؛ کارکرد و آسیب‌شناسی، نشریه دانشگاه آزاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴.
- عمادزاده، مصطفی (۱۳۷۶). تقاضا برای آموزش عالی. مجله برنامه و بودجه، دوره ۲، شماره ۴.
- عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲). اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان. پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۷.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۶). زنان در بازار کار ایران. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۵). تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال اول، شماره ۱.
- کلدی، علیرضا، فلاح، فاطمه (۱۳۸۸). بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها از نظر دانشجویان. پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره اول.
- لیاقت‌دار، محمدجواد؛ نقوی، فتانه؛ یزدخواستی، بهجت و سمیعی، فاطمه (۱۳۸۶). تأثیر و نقش اشتغال، اعتبار و مشارکت سیاسی در گرایش زنان به آموزش عالی بر اساس نگرش دانشجویان دختر دانشگاه‌های اصفهان. مطالعات زنان، سال اول، شماره سوم.
- لیاقت‌دار، محمدجواد؛ نقوی، فتانه؛ یزدخواستی، بهجت و سمیعی، فاطمه (۱۳۸۸). تأثیر و نقش نگرش فرهنگی جامعه، نهاد خانواده و توسعه ارتباطات در گرایش زنان به آموزش عالی. جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره پیاپی ۳۳، شماره ۱.



- مرکز مطالعات سازمان سنجش آموزش کشور (۱۳۸۴). عوامل انگیزشی داوطلبان برای ورود به دانشگاه. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۷ و ۳۸.
- مطیع، ناهید (۱۳۸۲). گروه‌های زنان در حرکت تواناسازی، مجله پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۶.
- نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۷). ارزیابی آثار مسایل انتخاب و درونزایی بر بازده آموزش: یک تحلیل تطبیقی. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۳۴.
- نوروزی، لادن (۱۳۸۳). تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی. مجله پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱.
- هاشمی، سیدعلی (۱۳۸۱). اشتغال زنان و هزینه‌های آن از دیدگاه بنگاه اقتصادی. فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۴.
- **Adams, John E. (1997)**; A Study to Determine the Impact of a Precollege Intervention on Early Adolescent Aspiration and Motivation for College in West Virginia. Virginia: Blacksburg.
- **Collins, R. (1977)** Some Comparative Principles of Educational Stratification. Harvard Educational Review: 41 (1), 1-27.
- **Davis, H., Noland, B., and Deaton, R. (2001)** Novel approaches to college choice: A survey of postsecondary opportunities. Association for Institutional Research (AIR) annual meeting, Long Beach, CA. June 3-6. 2001. [http://president.tennessee.edu/docs/Noland\\_Brian\\_cv.pdf](http://president.tennessee.edu/docs/Noland_Brian_cv.pdf)
- **Delaney, Anne M. (1999)** Parental Income and Students College Choice Process: Research Findings to guide Recruitment Strategies. Paper Presented To At The 38th Annual Forum Of The Association For Institutional Research, Minneapolis, Minnesota May 17-20.
- **Japanese Government Policies. (1999)**. Japanese Government Policies in Education, Science, Sport and Culture.  
<http://www.p.mext.go.jp/eky>
- **Tembon, M. (1999)**. Educational Financing Strategies in Developing Countries: The Case of Cameroon and Uganda, in Leads, F.E. and Little , A. W. (eds) Economics, Cultures , and Economics: dilemmas for development. New York and London: Falmer Press.
- **The World Conference on Higher Education in the Twenty-first Century: Vision and Action**, Was Held in Unesco Headquarters in Paris. (1998): 5-9.